

قطعهنامه پیرامون خط و مشی گذشته سازمان

جنبش کمونیستی ایران تاریخ پر فراز و نشیبی داشته است. این جنبش از شکل گیری اولیه هسته‌های سوسیال دمکراسی تا امروز راهی سخت و دشوار را پشت سر گذاشته است. در مسیر این راه سخت و طولانی اگر بی عملی و تسلیم رهبران حزب توده در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به عنوان یک نقطه عطف منفی و آغاز یک شکست استراتژیک مشخص می‌شود، جسارت، شجاعت و اعتقاد به راه پر شکوه مبارزه برای رهایی بشریت از قید هر گونه ستم و استثمار توسط مارکسیست - لنینیست‌های انقلابی در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ به عنوان یک تولد نوین و آغاز پروسه ای جدید در جنبش کمونیستی ایران مشخص می‌شود.

جرقه‌ای که در سپاهکل روشن شد و به دنبال آن عملیات انقلابی پیشگامان جنبش انقلابی ایران، مشقت فرم‌یست‌ها و اپورتونیست‌ها را باز نمود. اپورتونیست‌ها بی عملی حساب‌گرانه خود را با تئوری‌های انحرافی توجیه می‌کردند و با درازگویی و پر مدعایی، نیروهای جنبش کمونیستی را به گمراهی سوق می‌دادند.

مبارزه مسلحانه پیشاهنگان انقلابی راه را بر این مدعیان دروغین مارکسیسم - لنینیسم مسدود نمود. اکنون که پس از گذشت ۱۱ سال به ارزیابی خط مشی گذشته سازمان می‌پردازیم، به این نتیجه می‌رسیم که:

۱ - آغاز ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ تولد جنبش نوین کمونیستی ایران است. این تاریخ اعلام موجودیت سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران به عنوان محور و ستون فقرات جنبش کمونیستی ایران محسوب می‌شود که طی سال‌های اختناق حکومت ننگین شاه، رسالت وظایف پیشاهنگ پرولتری را بر عهده داشت.

۲ - مبارزه مسلحانه علیرغم ضعف‌ها و انحرافات که با خود داشته است، بنا به شرایط مشخص آن دوران امری ضروری بوده است که جنبش در برابر نیروهای انقلابی قرار داده است. غلبه بر تجمع ساده نیروهای کمونیستی و ایجاد سازمان رزمنده پرولتری، غلبه بر رشد خود بخودی در جنبش کمونیستی و تدوین یک برنامه انقلابی پرولتری، غلبه بر جدایی پیشاهنگان از توده، یعنی غلبه بر سه مشخصه جنبش کمونیستی قبل از سال ۴۹ که رفیق کبیر مسعود احمدزاده آن را جمع بندی نموده است، بدون درک ضرورت به کارگیری تاکتیک مسلحانه نا ممکن بوده است.

۳ - تاکتیک‌های مسلحانه در این پروسه دارای خصلتی تبلیغی بوده از این رو در مقوله "تبلیغ مسلحانه" قرار دارد. گرایش‌هایی که برای این تاکتیک‌ها سواى سرشت تبلیغی خصلت دیگری قائل می‌شد و معتقد بود که شرایط عینی انقلاب از ابتدا آماده بوده است، یک انحراف به چپ محسوب می‌شود.

۴ - طی سال‌های ۵۲، ۵۳ علیرغم این که زمینه‌های مادی سازماندهی مبارزات سیاسی - □نفی توده‌ها در کنار تاکتیک تبلیغ مسلحانه فراهم شده بود (به ویژه پس از آن که نظرات رفیق کبیر بیژن جزنی در درون سازمان اشاعه یافت و سازمان گام‌های پر ارزشی در زمینه مبارزه طبقاتی برداشت) با این وجود به امر سازماندهی سیاسی توده‌ها و امر تبلیغ و ترویج و سازماندهی طبقه کارگر بهای لازم داده نشد و همچنان انحراف به چپ بر سازمان حاکم بود.

۵ - با جمع بندی انحرافات که در خط و مشی گذشته سازمان حاکم بوده است، می‌توان به موارد زیر به عنوان انحرافات اساسی سازمان طی سال‌های ۴۹-۵۷ اشاره کرد.

مطلق کردن تاکتیک مسلحانه طی یک مرحله از حیات سازمان، محوری دانستن تاکتیک تبلیغ مسلحانه در طول تمام پروسه فعالیت سازمان، کم بها دادن به امر سازماندهی مبارزات سیاسی - □نفی توده‌ها، کم بها دادن به وظیفه دائمی کمونیست‌ها در زمینه تبلیغ و ترویج و سازماندهی توده‌ها.

کم بها دادن به سازماندهی جنبش مستقل طبقه کارگر و لزوم تشکیل حزب طبقه کارگر.

۶ - علیرغم این انحرافات، نواقص و اشتباهاتی که سازمان در طول فعالیت خود با آن روبرو بوده است، پروسه مبارزه سازمان طی این مدت جنبش کمونیستی را اساساً یک گام به جلو سوق داده است. این واقعیت امروز حتی بر دشمنان کمونیسم و سازمان ما پوشیده نیست که حیثیت و اعتبار نوین کمونیست‌ها مدیون مبارزات مکرر سازمان طی این مدت بوده است که توانست در بطن یک مبارزه بی‌امان پرچم ظفرنمون مارکسیسم - لنینیسم را در سیاه‌ترین دوران تاریخ اخیر میهن ما برافراشته نگه دارد، از همین روست که امروز فدائی و کمونیست از یکدیگر تفکیک نا پذیرند.